

نقد رمان آمستردام

ترجمه پیمان هاشمی نسب



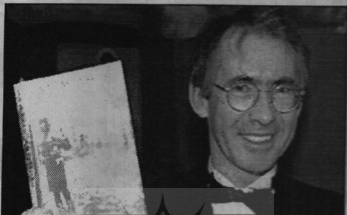
تا از جنبه‌های اجناسی رویارویی‌های خیالی‌اش با روایتی فکوره و دقیق بکاهد. در واقع، این کار ممکن است خشونت را طبیعی‌تر و گریزناپذیرتر جلوه دهد.

آمستردام، از پیمان مسبوط راوی اول شخص - Joe Fosse - شخصیت اصلی داستان عشق پایدار، بهره می‌گیرد و از این‌که خواننده را کلاً تحت سیطره خود بگیرد اجتناب می‌کند. در آن رمان، تحت‌نظر گرفتن مخفیانه جو توسط Jed Parry و وسوسا، تبدیل به یک کابوس می‌شود. از سوی دیگر، صدای راوی در آمستردام، با طعنه‌ی صریح همراه است. در آغاز تحسین‌انگیز رمان، در محل مردسوزی که آخرین لحظات ادای احترام به مالی‌لین است، گلابو و ورنان، دو عشق پیشین مالی، هنگامی که گفتگو با همسر مالی را به پایان می‌رسانند از گذشته یاد می‌کنند. گلابو و ورنان، هر دو از جورج‌لین منتفر هستند و این تنفر با مشاهده مرگت حکم‌آمیز او از همسر محترمش شدیدتر شده است.

هنگامی که گلابو جمعیت حاضر در محل مردسوزی را همانند اجساد می‌ایستاده تا مرگ نو را خواصه گویند، جمعی اوج‌خست‌زده توصیف می‌کنند تلنگرهای عمیق و سرحلی بر نهن مخاطب می‌زنند و اقتداری بیش از یک اقتدار فردی را در ادراکشان پدید می‌آورد. جولیا گارمونی، وزیر امور خارجه جناح راستی که گلابو را برای ملاقات دعوت می‌کند، خصوصیات یک سیاستمدار را به نمایش می‌گذارد، حرکات چشم، جست‌وجوی بی‌ارام و فرار شنونده‌گان از فراری‌ها، و یا نزدیکی با بعضی اشخاص عالی‌رتبه - از نسلی هستند که در انگلیسی بزرگ شده که از اشتغال فراوان، دانشگاه‌های جدید، کتاب‌های جلد

رمان عشق پایدار، یان مک‌یوین در سال ۱۹۹۷ نتوانست به فهرست بی‌نهایتی جایزه پروازره بوکر در ادبیات داستانی راه پیدا کند اما جدیدترین رمان او در سال ۱۹۹۸ برنده این جایزه شد. رمان آمستردام، را شاید بتوان با جو رمان نخست مک‌یوین *The Cement Garden*، *The Comfort of Strangers*، مقایسه کرد. خصوصیات بریتانیایی آمستردام، بسیار است و با وجود عنوانی که دارد؛ زمان و مکان وقوع بیشتر حوادث آن در لندن و سرزمین دریاچه‌ها (بخش کوهستانی و پردریاچه در شمال غربی انگلیس) است. میزان ناخوشایندی آن هم، در بالاترین حد است، اما نسبت به نخستین داستان‌های جدی مک‌یوین به‌سامان‌تر است. زیرا در سراسر آن طنز ویژه مک‌یوین حضور دارد. اگر چه با این فرض که شوخ طبعی یوین کلاً حزن‌تکبیز است. خیال و هوای گلی و بخشی از مضمون این اثر خواننده را بارها به‌یاد یک شاهکار تئاتری سال ۱۹۹۰، یعنی *House of Cards* می‌اندازد که یان ریچاردسون در آن نقش یک وزیر شرور کابینه توری را بازی می‌کند.

آن‌چه خوانندگان تعالی دارند از آثار داستانی مک‌یوین به خاطر بی‌باورند، میل شدید به فاجعه‌های به‌شگفتی است؛ نکته‌گ شدن اعضای بدن انسان در آسایش بی‌گناه رویارویی میان یک زن و دو سگ وحشی و درنده در *Black Dogs* و ساحت باطنی که در عشق پایدار، آغازی عالی دارد. در آمستردام، هیچ نکته‌ی با این حوادث برابری کامل نمی‌کند. در عوض، نحوه پرداختن به رنج و عذاب دو شخصیت اصلی داستان - گلابو لینی (آمنگسار) و ورنان هالییدی (سردهیگر یک روزنامه) - حتی زمانی که با فاجعه نزدیک‌تر می‌شوند، بی‌تفاوت‌تر و با طعنه بیشتری همراه است. این سردی، بسط مامت همیگی مک‌یوین است



خودت خارج از ترتیب زمانی شان، همه‌جا مشهود است. هنگامی که از ولادیمیر نیکفک سؤال کردند که آیا بعضی مواقع کنترل شخصیت‌های داستان از دستتان خارج می‌شود یا نه پاسخش این بود: «آنها بردگان گالی* و همواره تحت کنترل جدی من هستند»

این کتاب، یکی از بهترین‌ها است. اما هنگامی که لطافت طبع بیرحمانه شامل حال دو شخصیت اصلی داستان به‌خصوص کلایو می‌شود، کنجکاوی در این‌که آیا او (یان مک‌یوین) واقعاً سزاوار ستایش است یا نه، اجتناب‌ناپذیر می‌شود. گرچه همان براین است که کلایو و ورنان هر دو سزاوار مجازاتی‌اند که نویسنده برایشان در نظر گرفته، اما به‌رحال باورش سخت است که آهنگساز در رشتهٔ تمام‌سختی‌اش ایستاده‌لوحانه، متقاعد می‌شود که خود را یک ضایعه بنامد. و مهم این که نافعها را هم در کشورش قبول دارد. در این‌جا بتهوونی وجود نداشتند است. قلم ساحر داستان‌سرا کاملاً آشکار است. آیا می‌توان کاملاً تصور کرد که عامل هنریت کار ورنان همسر این سیستم‌دار است؟

شمیر پرچلا، موسیقی راگسروول و آرمان‌های تحقیق‌یافته سرشار است. او نیز از آن‌ها از زمانی که دولت مارگرت تاچر (ادامسیتی را کنار گذاشت و تبدیل به یک غرغرو شد، در مصوبیت قرار گرفتند. در بسیاری از قسمتهای این کتاب، کلایو و ورنان کاملاً توجه مشترکی دارند. کلایو خود را ویرت Ralph Vaughan Williams می‌داند. او در واکنش به محافنه کاری مفریسم و تلاش برای کنار گذاشتن ملودی و هارمونی، کنفی نگاشته است. در آن کتاب *Reverend Beethoven* کلایو به توصیف آهنگ یکی از متعصبان مفریسم می‌پردازد. یک کسرت پارلمانی همگانی، در تالار کلیسای متروکه که در آن پایه‌های یک پیانو بیش از یک ساعت با دست شکسته یک بیون بر دربی برچوب می‌گردد. در یادداشتی با رجوع به آدمسوزی نازیم علت ناپایداری قالب‌های دیگ موسیقی قرن این مرحله از تاریخ اروپا توضیح داده می‌شود. مأموریت کلایو، نوشتن یک سمفونی است که هیأت بررسی را در استفاده از قطعه آهنگی از آن در جشن‌های هزاره همپتون سازد. باوجود دوسار تأخیر، او در حال تمام این کار است و بر مملودی و سوسانگیزی که عنوانش را سرتبه قرن مرده نهاده متمرکز شده است.

اگر این‌طور به‌نظر می‌رسد که مک‌یوین آهنگساز را همچون لیلی فریب داده است، چنین چیزی کاملاً و یا به‌تنهایی موضوع مورد نظر نیست. هنگامی که کلایو کار خود را با اثر *Old to Joy* نوشته بتهوون همسان می‌داند، از حد خود فراتر رفته و مقدمات سقوط خود را فراهم می‌سازد. اما مک‌یوین کاری می‌کند که خواننده از استعداد واقعی این آهنگساز اطمینان حاصل کند.

آدمستر دامه به دلیل ردیف شدن وایچ کاملاً برنامهریزی شده، یک سازمان کارآمد محسوب می‌شود و توفیق مک‌یوین در تغییر زمان و به تصویر کشیدن

* گالی (۱۵۱ تا ۱۸۰۷ قرون وسطی) نومی کشی پادشاهی فرانسه و کواترناغ با دوردین بارو که توسط نیکولاز با بردگان به حرکت درآورده می‌شد.